

متن پرسش

سلام علیکم: ان شاء الله در پرتو عنایات حضرت ولیعصر(عج) باشید بصورت نسبتاً عجیبی، بویژه در این دو ماه اخیر، سؤالات بسیار تند و از موضع نقد رویکرد حکیمانه و ذات نگرانه حضرتعالی به انقلاب اسلامی و سیره زعامت نائب الامام (دام ظلّه)، در سایت از سوی برخی کاربران که با غالباً ادبیات و تعبیرات همسان و با جمله بندی های مشابه نگاشته می شود و محتوای قاطبه آنها نیز تاختن بر رهبر فرزانه انقلاب و مسبب ناکامی و شقاوت خواندن معظم له و لا ابالی و جائر بودن تمام کارگزاران و ساختارهای صدر تا ذیل نظام و به حسیض رفتن جامعه ایران چه از حیث اقتصادی چه از حیث اخلاقی و چه از حیث بی اعتقادی به هویت دینی و محو دیانت از صحنه اجتماع و لا مذهبی جوانان است و گاهی انسان با خواندن این تعبیرات برخی کاربران محترم حقیقتاً از خود می پرسد با این همه فقر نابودگر و فساد از قله تا دامنه و رذائل متنوع شایع رفتاری و بی اعتقادی معرفتی و انجماد کامل ملک و ملت، اصلاً چگونه کشور سرپا است و انقلاب منهدم نشده است و اگر از جمهوری اسلامی فقط یک پوسته مانده است، چرا سرنگون نمی شود و هنوز درمقیاس تمدنی و بین المللی، وزنه و شان و موازنه دارد و بعنوان عنصر راهبردی در سطح کلان بشمار می آید؟ هرچند این سنخ رویکردها و ضد تبلیغ های ادامه دار در پرسشها که غالباً هم از سر انتقاد و دلسوزی برای حضرتعالی است که چرا موضعی نمی گیرید و از افق انقلاب و ذات توحیدی حرکت امام (ره) می فرمایید و می نویسید، اما با دیدن آنها، انسان حقیقتاً بهتر و بیشتر تأثیرات جنگ شناختی و جنگ آزاده ها در محاسبات برخی هموطنان از شرایط پیرامون خود و تأکیدات بی وفقه رهبر حکیم مان بر فریضه تبیین و گشودن گره های تحلیلی و غبار زدایی از القائات جریان تحریف و دستگاه امپراطوری رسانه ای جهانی (که در سال گذشته دیدیم چگونه با تمام قوا، کانون توجه و فعالیتهای مستمر خود را بر منهدم کردن مسیر انقلاب اسلامی متمرکز کردند) را در می یابد. بی سبب نیست که رهبر انقلاب در دوره پسا اغتشاش، اینگونه بر دو مؤلفه ایمان و امید و تحلیل کلان از انقلاب و شرایط کشور همت می گمارد و حتی با صدای گرفته، بیش از یک ساعت در حرم امام (ره) باید پاسخ و تبیین مطالبی را بفرماید که روشن نمودن و بیان آنها برای عموم جامعه، وظیفه بنده و امثال بنده است؛ باید به القای گزاره رویگردانی مردم و جوانان از دیانت و هویت ایمانی و انسلاخ از استقامت بر تدین و غایات متعالی خود، پاسخ بگوید و بحثی تطبیقی از شرایط صدر اسلام و دوران دفاع مقدس و استقامت کنونی جوان ایرانی در برابر لغزشگاه ها و ناملایمات و پیشروی هسته های مقاومت در اقصی نقاط کشور و رویش های پرتراوت و فعال و بازتولید هسته معرفت انقلابی در امثال مصطفی صدرزاده بکند؛ درخواست کند که از نگاه ارتجاعی به

عیوب کشور پرهیز شود و با امید صادق و تأمل دقیق در شیوه حصول دستاوردها، به رفع معضلات پرداخته شود و با آنانی که برای رفع همین گره ها در صحنه اند، همیاری صورت پذیرد و از همه مهمتر، طلب نماید که پدیده های امید آفرین و توفیقات و کامیابی ها بویژه در سطح کلان تمدنی، هرچه بیشتر و از حنجره های مختلف اعلام گردد. کما اینکه خود ایشان پیشقراول این امور در همه این ایام بودند تا جاییکه بنده به زعم خودم معتقدم اگر متن سخنرانی مثل ۲۸ آبان ۱۴۰۱ حضرت آقا در جمع مردم اصفهان یا ۲۹ بهمن ۱۴۰۱ در جمع مردم تبریز را بدون اشاره به گوینده این مطالب، برای بعضی از حتی دلسوزان متدین و نیروهای متعلق به گفتمان انقلاب بازگو کنیم، می‌گویند این سخنان خود را راضی و تسکین دادن و از سر توهم و ساده لوحی تحلیل کردن و عدم ارزیابی واقعیات علی الارض است؛ تنها همین سخنرانی حضرت ایشان با نوع نگاه برخی از ما چنان تفاوت دارد و چنان امید و ایمان و کلان نگری و پرهیز از نگاه ارتجاعی، در جای جای این سخنان جاریست که جا دارد واقعاً تأمل کنیم چرا ایشان چنین به عرصه می‌نگرد؟ و حتی ایشان باید کم کاری ها و کمبودهای ما را در صحنه تبیین جبران کنند و در هر جلسه، به پدیده های امید آفرین و دستاوردهای کشور حتی در بحبوحه اغتشاشات و فشارها اشاره کنند و شیوه نقد و ارزیابی منتقدانه را در اختیار ما بگذارند؛ یعنی صریحاً مانند کنشگر کف صحنه ایشان باید رسم تبیین و آداب روایتگری را در مقابل مان شفاف نماید و کمبودها را بشخصه جبران نماید. واقعاً با مرور همین بیانات و سیره ایشان در دوره پسا اغتشاش، باید دید چرا معظم له این میزان رو به پیش و با روشنی افق آتیه و ارزیابی جامع امیدبخش و مشحون از ایمان و رجاء سخن می‌گوید و به تعبیری چرا آقا امروز امیدوارتر و استوارتر از هر زمان دیگری سخن می‌گوید و به مسائل و نقاط قوت و ضعف می‌نگرد و این میزان سبک نگرش امثال بنده با منظومه فکری او، افتراق دارد؟ اگر که قائلیم ایشان کانالیزه و محدود شده اند یا خدای ناکرده، کذب می‌گویند و ناروا سخن می‌رانند که حرفی نیست اما اگر صدق و جامع نگری و کلان نگری و عمق زمان شناسی این مرد از شرایط بین الطولوعین گونه ای که در آن هستیم را می‌پذیریم، واقعاً جای تدبر و تانی است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ملاحظه می‌فرمایید که بحمدالله چه جنگ و محاربه‌ای بین جبهه انقلاب اسلامی و استکبار جهانی در فضای فرهنگی بوجود آمده است و به گفته جناب مولوی: «در جهان جنگ این شادی بس است / که بر آری بر عدو هر دم شکست». از آن جهت که دشمن واقعی ما شیطان است در هر چهره‌ای که باشد، حال این ماییم که به گفته رهبر معظم انقلاب دشمن را گم نکنیم و این عزیزانی که ممکن است با سؤالات خود بعضاً سخنان تندى را بر زبان آورند خدای ناخواسته آنان را دشمن بینداریم، هر گز چنین نیست. همانطور که فرموده‌اید آن اندازه قدرتمند هستیم که اینهمه غوغا که به ظاهر باید فردایی برای ما نباشد؛ گردی بر دامن کبریایی این نظام مقدس نمی‌نشانند و در این

جنگِ شناختی، این جوانان عزیز ما هستند که فربه و فربه‌تر می‌شوند و بیش از دیروز که در جنگ نظامی بحمدلله «ایمان» و «امید» را به شیرین‌ترین شکل احساس کردیم، خدا می‌داند صد مرتبه بیشتر در جنگِ شناختی و جنگِ اراده‌ها، جوانان مان به ایمان و امیدی می‌رسند که پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» بر این انسانهای آخرالزمانی سلام و درود فرستادند. اگر امروز، محبوب دلمان و این امیدوارترین انسان از امیدواری نسبت به جهان پیش رو سخن می‌گوید، به جان دوست قسم! این راست‌ترین سخنِ این زمانه است و اگر دشمنان این مسیرِ توحیدی با تمام امکانات به صحنه آمده‌اند، مطمئن باشید خداوند نیز با تمام اسماء حسنایش به صحنه می‌آید.

گفتید و درست گفتید که دشمنان ما وقتی هیچ سخنی علیه رهبر معظم انقلاب برای گفتن ندارند، ایشان را متهم می‌کنند به این‌که ایشان، کانالیزه شده‌اند. غافل از آن‌که مردان الهی در کنار اخبار روزمره این روزنامه و آن رسانه متوجه سنت‌های الهی هستند و اساساً ظاهرِ صحنه، امری نیست که اندیشه آنان را تغذیه کند. مگر فراموش کرده‌ایم جنگِ حنین را که به ظاهر، همه چیز حکایت از شکست می‌کرد ولی رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و علی مرتضی «علیه‌السلام» که متوجه سنت پیروزی حق بر باطل بودند؛ تاریخ حکایت از آن می‌کند که هیچ تزلزلی به خود راه ندادند. در این‌جا است که باید گفت دروغ‌ترین سخن در این زمانه آن است که گفته شود حضرت روح الله و یا حضرت امام خامنه‌ای کانالیزه شده‌اند. به روح زمانه‌ای بیندیشیم که به گفته جنابعالی در این بین الطلوعین بناست ما جهان را به ساحتی دیگر که در آن ساحت، انسان معنایی ماورای انسانِ اومانستی دارد، دعوت کنیم و این‌جا است که کافی است به وعده الهی که آن آغازِ دیگری است و شهدا به خوبی متوجه آن بودند؛ امیدوار باشیم و به جوانانی امثال صدرزاده‌ها فکر کنیم که به گفته رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله‌تعالی» کم نیستند و حکایت حضور فردای ما می‌باشند. موفق باشید